

adl0344

<http://hdl.handle.net/2333.1/q2bvq8rx>



This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

کتابخانه محمد اکبر
عشیر
گلرنگ سه کابل افغانستان

لوامشر مکاتب عسکریه :

السید محمود سامی



تعمیه

قسم اول

در حریه سنه ۲ و سنه ۳ تدوین
کرده میشود.

طبع اول

کابل : در مطبعه مکتب فنون حریه طبع شد.

جوزا - ۱۳۰۲

ماخذ کتاب : تهیه که در مکان حربیه
المان و عثمانی تدریس کرده میشود .

➤ ملاحظات ابتدائیه ➤

موفقیت در حرب ^{کامیابی} : به عسکر و قوماندانان

عسکر و به هیت طالبه قومانده تابع است .

جهت حواری حربی
موفقیت حقیقیه را تنها غالبیت محاربه میدهد .

حال آنکه عسکر هرگاه تربیه مکمل ندیده باشد و

کمال فداکاری و متانت نداشته باشد غالبیت محاربه :

میسر نمیشود . بناءً علیه : غیرت نموده تربیه

عسکر را به انتها درجه امکان رسانیدن : برای

ضابطان هر صنف : یکه ذمت مقدمترین است :

در هیچ حال باید که کمتر از اندازه که امر و طلب
شده است کار کرده نشود . و برای واصل شدن
به هدف و غایه که برای مثبت محبوبه و وضع
و اتخاذ کردید لازم که در خصوص همت و تدبیر
بشری و قصور واقع نشود .

سر مبنای قوت عسکر ، فکر و معنویاتش است ؛
چرا که ساحه و قواع و جریان فعل محاربه و
تلاک است . مقدمترین قوای روحیه بمقابل
تلاک و جسارت است . هر چیز را بخيال و
کرفتن ، تکب به طالع ، به میدان در آمدن ،
تدبیر مدتها ، همه اینها اثر و مملکات جسارت
اند . صداقت فداکارانه ، اقبال لایزال ،
اعتماد صمیمی ^{و دلجوای} مابین مافوقان و مادونان ، اخوت
عسکر به تابه قبر ، دریغ جان نکردن برای هم دیگر
خود و برای شان و شرف قطعات عسکریه خود .

و خداوند تبارک و تعالی ربط قلب نمودن ، احسیات مردانه ،
 مأموس و وظیفه را مقدس دانستن ؛ ، غیرت خلل
 نپذیر ، مداخلت به کمال آرزو ، سعی به شوق ،
 مردانه حفظ امل ، عزیمت و ثبات ، میل لطائف
 (حق در هنگام خطر) ؛ عوامل معنوی که
 پروردگار آنها لازم است اینک اینها اند . خاصه

مبجله که عسکر را به اجراءات حربیه عالی ترین ؛
 شوق میدارد و حق در حال مغلوبیت نیز ؛ بطور
 شان و شرف را به علمهای شان ؛ نقش میدارد
 عوامل فوق را کمال تصرف نمودن است .
 [(۱۸۱۴ - ۱۸۱۵) عسکر بلوخر !]

صنعت سیم حریر

عبدالله
لژیون

لژیون

از بیانات فوق و فهمیده شد که اساس قوت
عسکر و عبارت از معنویات است . مگر قوه
معنویه و به قوه ماده و محتاج است . حال آنکه
برای اظهار قوه ماده و صور و وسائط و
و برای استعمال قوه ماده و ملکه و مهارت
لازم است . اینک همین صورتها و وسائط و همین
ملکه و مهارت و موضوع نمیه خصوصیه های
صنوف مختلفه را تشکیل میدارند . و این نیز
به نظامنامه ها مستند است .
افکار و ملکات حریبه و به واسطه امتداد
مدت صلح و تناقص میکند . اسفار مستقبله یعنی
حربهای آینده و چیزهاییکه تخیال و خاطر
نمی آید نشان خواهد داد . لهذا باید که بیدار
و آماده بوده خواب و غافل نباشیم .

۱ - تمیۀ خصوصیه های صنوف مختلفه [۵]

پیاده

مطالعه عمومیه

۱ - پیاده : صنف اصلیت . پیاده : واسطه
آتش خود همراه طویچی و دشمن را مغلوب
میکند . پیاده : مقاومت آخرین دشمن را
آنها به جان خود و میشکناند و گیسو کار
سختترین محاربه را میکند و زیاده تر و خون
میریزاند صنف پیاده است . ازین سبب است که
شان و شرف اعظم هم و راجع به صنف پیاده میباشد .

[۵] دومی نظامها از خردتاییکه به مافه های ضابطان و
خرد ضابطان و صفها و به صورت تقسیم خرد ضابطان ...
... والخر تعلق دارد شاگردان و تنها حقه صنف شان را
یاد بگیرند . مع مافیه و مرشاگرد باید که نظام اساسی دیگر
صنفها را و خصوصاً امتداد جبهه های آنها و عمق قطار
های آنها را بسیار خوب و ذهنشین خودها بدارند .

پیاده و اسلحه تار و جارحه را حامل است و
و برای تعرض و برای مدافعه و عین درجه و
صالح است و در هر نوع اراضی که يك آدم زند
گذشت بنواند شب و روز و کار کرده میتواند و
و نظر به اسب و زاده تر متحمل است و لهذا بعضی
بنابر خصائل فوق و صنف پیاده از همه در نوع خدمت

می برآید و از احتیاج صنوف سائر و ارسته و يك
صنف است و در حین محو ویت و صنف پیاده و
يك چهار و را تنها و جان خود یعنی بی معاونت
صنف دیگر نیز و اجرا کرده میتواند و
تدارک پیاده و تجهیز پیاده و تعلیم و تربیه

و اطاعت پیاده و خیل آسان است و

۲ - نظر به قوت مرئی و مساله و

طوبیجی و پیاده و فائق است و به مقابل آتش
طوبیجی دشمن از مسافت دور و صنف پیاده و

بی مدافعه است . به مقابل مواضع قوتمند و
خصوصاً مستحکم ؛ برای استحصال موفقیت
در تعرض ؛ معاونت طویلی ؛ شرط اساسیست .

نظر به سرعت و قوت مصادمه ؛ صنف سواری

پیاده ؛ تفوق میکند . برای خدمت کشف ؛

پیاده ؛ قاعده به معاونت صنف سواری ؛ محتاج

است . مکر در زمانهاییکه به دشمن ؛ خیلی تقرب

شد و در اراضی ؛ که فوق العاده ؛ طارحه دار است

خدمت کشف را صنف پیاده بالذات ؛ ایفا میکند .

.....

.....

خواص قارعه محاربه پیاده

.....

۳ - چون ؛ اسلحه ناریه ؛ روزه به روزه ؛

توقی و تکمل کرده رفت لهذا اهمیت محاربه آتش

تقیز ؛ زیاده شده رفت .

عبد الله

در زمان ناپولئون اول : قطعات مسکریه : هجوم
برچه را به مجتمع نظام میکرد و این را يك طرز
خصوصی محاربه پیاده می پنداشتند . و محاربه
آتش اخپور : حاز يك تأثیر قطعی نبوده خاص
برای آماده گی و برای محاربه برچه : عبارت از
يك معاونت می دانستند . حال آنکه درین عصر
چنین لزوم : ظاهر شد که نتیجه قطعی : خاص
به واسطه محاربه آتش : استحصال کرده میشود .
و برچه : عبارت از نیست که موفقیت را که حاصل
میشود به ظفر میرساند . استعمال برچه : پیش
از وقت لازم : نتیجه های تلخ میدهد .
قطعاتیکه در مجتمع نظامند به داخل منطقه
حوثره آتش دشمن : محو میشوند . لهذا اجرای
آتش : در این نظام : به احوال نادره : منحصر
است . مثلاً : در حین اجرای آتش به مقابل
سواری و نیز همگام ناکاه و رأساً با دشمن :

تصادف شود

۴ - تیت نظام ؛ اصل نظام محاربه میباشد . کسانی که محاربه را اجرا میکنند خطاهای قوی و کثیف اخیور است . نظام مذکور هم در خصوص استحصال يك تأثیر اعظمی امکان می بخشد و هم در خصوص استفاده از اراضی ؛ مساعد است .

۵ - مجتمع نظام ؛ در اجتماع ، در رفتار و در آماده گی ؛ اهمیت خود را بکا کان بی-فی قرار سابق ؛ محافظه کرده و میکند . قطعه که در نظام مذکور باشد در يك محل تنگ ؛ اجتماع کرده می تواند . و به قوماندا ؛ تحریک کرده میشود و در قبض قوماندان میباشد .

۶ - قطعاتیک در عقب خط آتش ؛ نگاه

کرده میشوند در زیر آتش مؤثر دشمن ؛

ع الاصله - نوادی

۱۱

علی الاكثر : به ترك نمودن نظام مجتمع : مجبور
میکردند . وظیفه اینها : خط آتش را ، تقویه
کردن و برای او : قوة الظهر یعنی مددکار بودن
است . قطعات مذکوره : حرکات خودها را
تقریه خط اخپور : اجرا میدارند . مکر بشرط
اینکه از تلفات بی وقت تا که ممکن است اجتناب
ورزند . مع مافیه به مراحل : باید چنین باشند
که پوره در وقت لازم : داخل محاربه شده
بنوانند .

محاربه هر قدر که زیاده : امتداد کند یعنی
کشال شود و تلفاتی که وقوع آن : ملحوظ و
محتمل است هر قدر زیاده باشد قطعاتیک در عقب :
نگاه میشوند نیز بهمان نسبت باید که قوی باشند
تا که قوة آتش را تا به زمان آخرین : به درجه
اعظمی داشتن : ممکن گردد .

۷- امروزه روز و محاربه پیاده و عیارب
از مقاتله مصرانه و دوامدار است که برای
استحصال تفوق آتش و اجرای باید و خطهای
اخیر متعرضین و بشرطیکه استفاده از اراضی
نمایند و در ستره ها جا بگیرند و جای ضایعات
خود را متبادلاً پر کنند در میدان محاربه و
آهسته آهسته پیشرفت میکنند تا که قدرت
آتش خود را با همه وسعتش در مسافت های
قریب و ابراز و اظهار کرده بتوانند و مسافت
هجوم را کجای کرده بتوانند.

مقابله مدافعین و از اراضی و مامران
استفاده نموده و عملیات استحکامیه که از نظر
دشمن و مستور و قوی باشند پیدا کرده و
تدابیری که باعث تزیید تأثیر سلاح خود و تقیص
تأثیر سلاح دشمن باشد توکل میکنند و

عبد الحميد
۱۳

۱۳- هرگاه جبهه : مساعده باشد یعنی اگر
زیاده باشد مدافعی از مسافه های دور که خصم :
از آن مسافه ها بیک مقابله نتیجه آور :
امکان نیابد نیز : شروع آتش نموده متعرضین
را پیش از وقت : دوچار ضایعات بدارد . و
بعده ثبات معندانه نموده به کسر قوه تعرضیه
خصم بکوشد . ضایعات مدافعی را خصوصاً
در دور نخستین محاربه : نسبت به ضایعات
متعرضین کمتر میباشد . موضع مسافه :
هر قدر که قوی و به اطرافش محاکم باشد آن
قوت که برای اشغال نمودن موضع مذکور : مقتضیست
هاقدر : قلیل میباشد .
۸- تحکیمات مسافه : چون علی الاکثر
به طرز گروهی ترتیب میشود لهذا نظر به آن :
تعرض نیز به اطراف عوارض معینه زمین :
تمرکز میکند . متعرضین اول به اول : به این

سامی باشند که قطعه های استناد به دست آورده در اینجا
 جاگزین شوند تا قوای متبایقه خود را به حمایت
 نقاط مذکوره و پایله کرده یعنی مرزاً و محقاً
 ترتیبات محاربه داده به محاربه و ادخال کنند .
 ۹ - پیاده و تعرض خود را هرگاه

در زمین های واسع و بی عارضه اجرا میکنند
 و بروی يك وظيفه مشكلترین تعرض شده
 میباشد .

اگرچه پیاده و از طرف طویچی خود و
 بيك صورت خیلی مؤثر و مظهر معاونت میشود
 مگر طویچی مدافعه نیز و قاعده به ضایعاتیکه
 دوچار میشود لحاظ نکرده کافه قوت آتش خود را
 بر پیاده متعرضین و توجه میکند . حال آنکه
 کاملاً مغلوب شدن طویچی مدافعه نادراً مأمول
 است . بناء علیه و کافه تدابیریکه کرده خواهد
 شد عبارت ازین باید بود که ضایعات و بدرجه

عبدالاحمد حسینی

۱۵

امکان : قلیل کرده شود .

در چنین اراضی : اول به اول باید که آن

خطهای اخپور که محاربه کرده میتوانند آنها را

بی آنکه دوچار ضایعات مهمه شوند به يك موضع

آتش که از دشمن دريك مسافت مؤثره است

سوق کرده شوند .

کافه قوای همین خطهای اخپور را بی آنکه

دوچار ضایعات عظیمه شوند دفعه منتشر کردن :

یعنی نیت کردن غیر ممکن است . بنسأ علیه :

خطهای اخپور خیلی خفیف (برای اینکه

هدف خرد : نشان بدهند) و بهم غیر مربوط :

تشکیل نمودن : و آنها را به يك مسافت که از آنجا

محاربه کرده خواهد شد متعاقباً پیش بردن :

و در آنجا خط اخپور را به درجه که محاربه را

به يك آتش مؤثر : شروع کرده بتواند کشیف

کردن : لازم است .
بعد از شروع به آتش : خطهای اخپور را
سوی دشمن : باز پیش بردن : وجوب
قطعیست . مگر همین حرکت پیش بردن نیز
باید با تأثیر آتش : استحصال کرده میشود
متناسباً اجرا یابد . هر پیشرفت که در اراضی
نی ستره : پیش از رسیدن و قتلش صورت گیرد
نشانه های عدم موفقیت را محتوی میباشد .
تقرب : سوی دشمن : چون تابع اراضی و تأثیر
آتش دشمن است لهذا هرگاه علی الانفراد
به نظر دقت آورده شوند به طرز های خیلی مختلف :
واقع میشود : و شکلهای و منظره های متنوع :
ارائه میکند : از يك طرف : بلوکه ها و حتی
در بعض احوال : جزو تانکهای جسیتر :
در انشایکه تریله ها کرده پیشرفت میکنند از طرف
دیگر : خطهای اخپور که به اقسام صغیره و حتی

خیلی ریزه و قریق شده است دویده ، زحف
کرده به موضع دشمن و قریب میکنند . در کافه
حالات و همین ۲ خصوص آتی را نقطه نظر باید
گرفت :

- ۱ - ناکه ممکن است هدف خرد و اراده کردن ،
- ۲ - نظر دقت دشمن را جلب نکردن .
- آن ترمض : که به واسطه قطعات عقب و
- متادیا ترمیم و تقویه شود هر قدر که آتش خود را
- بک تأثیر تام داده پیشرفت کند تفوق ابتدائی تأثیر
- آتش دشمن نیز و هماغدر غائب شده میرود .
- تبعیه قطیه : اگر چه در مسافت های خیلی قریب
- زین و سریعاً رسیده کمال میشود مگر تاریخ جدید
- حرب و امثالها آورده است که در مسافت هجوم
- فیر و محاربه های مدید و مخدانه اجرا می یابد .

۱۰ - بعد از طرد دشمن از موضعش

برای اینکه همین مظلومیتش به درجه عمو برسد و
بیک مقاومت جدیده ؛ فرصت و محل نیابد اولاً
آنش خیلی مؤثر ؛ اجرا نمودن و بعده او را
شدیداً تنقیب کردن ؛ لازم است .

— نولی —

مجمع نظام

زیب و تقسیم

۱۱ - بک نولی سفربر ؛ قاعده عبارت

از ۵ - با لوکشر ۲۰ - خرد ضابط و ۲۵۰

تقریباً میباشد . [۵]

[۵] همین عدد ها در اثنای مدت جریان سفر ؛

به دفعات ۱ دوچار تزل میشود ۱

۱۲ - نظام صف حرب : نولی و از جناح
 راست و شروع کرده به دلگی ها که هر دلگی و
 چهار خبرك باشد تقسیم میشود . برای اینکه
 خبركهای زیاده نماند بقدر لزوم از همان مسافت
 به داخل صف خرد ضابطان و دلگیشران و
 داده میشود . از دلگی ها نیز به قرار تقسیم فوق
 پدید آید سه بلوك و تشکیل میشود . هر بلوك و
 که عدد دلگهای آن و از سه زیاده تر باشد به
 نصف تقسیم میشود . شکل ۱

صف حوب : برای آتش کردن و نیز
 برای گرفتن بک وضعت و که خیل اندک
 همقدار است استعمال کرده میشود . مگر بعضی
 اینکه نولی و هرگاه بالذات و زیر آتش و
 نباشد .

۱۳ - عرض جای يك غيرك : اقلأ

۳۵ سانتیمتره میباشد . عرض جبهه يك بلوك
حفر بر : تقریباً ۲۵ متره است .

۱۴ - تولى قطار : برای توقفها

الستعمال میشود . علاوه بر آن : چون مترهای
چلوکهای آن : متبدل میباشد لهذا خاصه
به داخل دازه تاثير آتش طویچی دشمن و دريك جبهه
واسعه : هر وقتیکه سریمائى انبساط کردن : آرزو
شود در چنین محلهها تولى قطار : نظام مانوره
میباشد . نظام مذکور در خصوص استفاده مکمله
از اراضی : نیز مساعدت . شکل ۲

۱۵ - بلوك قطار : برای اجتماع و نیز

برای گرفتن يك وضیعت که عمقش اندك باشد
حستعمل میشود . در احوال استثنائیه : نظام

۲۱

عبدالله

مانورم است . حذا برا بری از همه زیاده تر
درین نظام میباشد . شکل ۳

۱۶ - نصف قطار ؛ تولى ؛ وقتیکه به

نظام بلوك قطار باشد نصف هر بلوك را که به
عقب نصف دیگر بیاوریم یعنی کافی نصفها را
عقب هم دیگر ؛ ترتیب کنیم نظام نصف قطار ؛
حاصل میشود . هر نصف که بلوکشر نداشته
باشد در عقب ؛ بلوکشر اضافه میباشد . و هرگاه
بلوکشر اضافه ؛ نیمه نصف مذکور در عهده
دلگیمشر قدمدار میباشد .

نظام مذکور ؛ برای گذشتن از جای های
تنگ ؛ و نیز در خصوص استفاده از ستره هائیکه
به اندازه جبهه آن اند ؛ استعمال میشود .

۱۷ - دگى قطار ؛ برای قطعاتیکه در

عقب خط محاربه اند نظام مانورم میباشد .

نظام مذکور در موضعی آماده گی برای محاربه
نیز ؛ استعمال میشود . نظام مذکور ؛ اگرچه
برای حرکت در هر نوع اراضی ؛ مساعد است
مگر اخیور شدن ؛ از نظام مذکور ؛ خیلی
وقت میخواهد . شکل ۴

۱۸ - لار قطار ؛ نظام اجتماع و رفتار

است . همق لار قطار در تولی سفر بر ؛ مع
بارخانه خرد ؛ تقریباً ۱۰۰ متره است . شکل ۵

۱۹ - غیرك قطار ؛ برای گذشتن از

راه های تنك (مثلاً تنگی و غیره) ؛ و در حین
استفاده از ستره هائیک با جبهه اش متناسب اند
استعمال کرده میشود .

۲۰ - حذا و برابری ؛ خواه در توقف

و خواه در رفتار ؛ علی العموم از طرف راست ؛

۲۳

گرفته میشود . در تولى قطار و در صف حربه
در اثنای راه رفتن ؛ هذا اساساً از بلوكشن
بلوك میانه ؛ گرفته میشود .

رفتارها و گرزها

۲۱ - رفتار ۳ : نوع است : تعالیم قدم ،

موزون قدم ، عادی قدم . طول خطوه یعنی
درازی کام ؛ ۸۰ سانتیمتره است . سرعت
رفتار ؛ در يك دقیقه ؛ ۱۱۵ ؛ و در رفتار هجوم ؛
در دقیقه ۱۲۰ خطوه است .

۲۲ - دویدن : ۲ نوع ؛ دویدن هست :

موزون و غیر موزون . موزونش ؛ عبارت از
جیمناستیک قدم یعنی دوه گرهی است . که طول
خطوه ۷۵ ؛ ۹۰ سانتیمتره ؛ و سرعتش در
دقیقه ۱۷۰ ؛ ۱۸۰ خطوه میباشد .

۲۴۴

دویدن غیر آموزش یعنی مارش را مارش
عبارت از چنین دویدن است که افراد به بشرطیکه
جایای خود را در صف و محافظه نمایند تا که ممکن
است سریع میدوند.

۲۳ - گرزها : گرزها به طرف راست

و یا چپ : عبارت از (۹۰) درجه : و به طرف
عقب (۱۸۰) درجه میباشد . تنها گرزهای
مائل یعنی شی نیم و یا کین نیم : عبارت از (۴۵)
درجه است .

۲۴ - تبدیل جبهه : یعنی جبهه را به

طرف عقب گردانیدن است .

تبدیل نظام ها و چرخ ها

۲۵ - به واسطه تصفیر جبهه یعنی به واسطه

۷۵

عالمی لکچر

خرد کردن جنبه : نظام صف حرب : به نظام
تولی قطار و یا به نظام بلوک قطار : تبدیل
میشود . و نظام بلوک قطار : به نظام تولی
قطار و یا به نظام نصف قطار : و یا به نظام
دلکی قطار : تبدیل میشود . و نظام تولی قطار
و یا نظام نصف قطار : به نظام دلکی قطار :
تبدیل میشود .

۲۶ - توسیع جنبه یعنی جنبه را کلان

کردن : اقسام پسینه به طرف راست و یا چپ
اقسام سر بیک خدا آمده جنبه : کلان کرده میشود .
حرکات قطعه به غبرک قطار باشد نفر دست راست
و یا چپ غبرک سر : اساس است . یعنی مثلاً
افراد پسینه قطار دست چپ غبرک قطار مذکور : به
پهلوی چپ نفر طرف چپ غبرک سر : بیک خدا

آمده و افراد صف دوم آنها نیز به پس پشت
آنها آمده جبهه ؛ کلان کرده میشود . درین
صورت ؛ ترتیب اصلی ؛ پیدا میشود . و اگر
به طرف راست باشد افراد پسینه قطار دست
راست ؛ به پهلوی راست نفر غبرك سر بیک خدا
آمده جبهه ؛ کلان کرده میشود . درین صورت ؛
افراد صف دوم در صف اول میباشند .

از توی قطار ؛ به واسطه توسیع جبهه ؛

صف حرب بقرار آتی ؛ تشکیل میشود .
قاعده مهلوك به داخل خود به طرف چپ ؛
توسیع جبهه کرده و در عین زمان ؛ بلوكه‌ای
جناح ؛ بقدر لزوم یعنی به اندازه کفاف صف
حرب ؛ به طرف جانها دور میشوند . مثلاً بلوك
جناح راست مرگه ۱۳ غبرك باشد برای تشکیل
صف حرب فوق باید که بعد از توسیع جبهه ؛

بقدر ۳ خطوه به طرف راست برود . و نیز
بلوك جناح چپ ؛ هرگاه ۱۳ غبرك باشد بعد از
توسيع جبهه ؛ بقدر ۴ خطوه به طرف چپ برود .

از بلوك قطار ؛ به واسطه توسيع جبهه ؛

صف حرب بقرار آتی ؛ تشكيل ميشود : قاعده
بلوك منزه ؛ به طرف راست بلوك سر ؛ و بلوك آخر ؛
به طرف چپ آن رفته صف حرب ؛ تشكيل ميشود .

از غبرك قطار و ازدلكی قطار و از نصف

قطار ؛ صف حرب ؛ بقرار آتی تشكيل ميشود :
قاعده اولاً بلوك قطار ميشود و بعد صف
حرب ميشود .

از دلکی قطار ؛ به واسطه توسيع جبهه ؛

تولی قطار بقرار آتی تشكيل ميشود : قاعده

بلوك میانه ؛ به طرف راست ؛ و بلوك آخر ؛
به طرف چپ بلوك سر رفته تولى قطار میشود .

از تولى قطار ،

از بلوك قطار ؛ که	} بلوك قطار ؛	بر آن بلوك
دلگى های آن بیک		که امر شده
جانب ؛ چرخ نموده		تشکیل نمودن ؛
است و		است اجرا
از بلوك قطار ؛ که	} می یابد .	
غیرکهای آن بیک		
جانب ؛ کرز کرده است		

برای اینکه تولى در استقامت های مائل ؛ و
خصوصاً به زاویه بزرگ ؛ توسیع جبهه نماید
قاعدهٔ اول ؛ جبههٔ مطلوبه ؛ گرفته میشود و
بعده حرکت توسیع جبهه ؛ اجرا می یابد .

۲۷ - در آشنای رفتار ؛ برای غبرك قطار

شدن ؛ نفر جناح صف اول ؛ رو برو به رفتار

۲۹

خود و دوام میکنند و برای اجرای حرکت قطار
مذکور و اساس میشود . نصف ها و بلوک های
پسینه و الی زمانیکه نوبت التحاق برای شان برسد
به کامهای کوتاه میروند .

۲۸ - در حرکات چرخ و حذا از جناح

خارجی یعنی از جناح رونده گرفته میشود و آرنج و
از جناح داخلی یعنی از جناح ایستاده .

در چرخ نظامهای قطار ، اقسام منفرد و

پسینه و متعاقباً تا به عمل مبدأ چرخ و به رفتار
خود دوام میکنند و بعده یعنی در مبدأ مذکور و
حرکت چرخ را اجرا میدارند . این چرخ را
(چرخ گوشه) مینامند .

از نظام صف حرب و هرگاه دلکیها به عین

۴۰

جهت : ربع چرخ یعنی ۹۰ درجه : چرخ کنند
نظام دالکی قطار : پیدا میشود . و هرگاه از نظام
بلوک قطار : دالکی - ربع چرخ کنند نظام
تولید قطار : تشکیل میشود . و هرگاه بالعکس :
عمل شود نظام صف حرب و نظام بلوک قطار :
حاصل میشود .

بیت نظام

مطالعه عمومی

۲۹ ... بیت نظام : درین نظام : اخپوریه

اسلحه خود را آزادانه استعمال : و از اراضی
مکمل استفاده کرده میتوانند یعنی برای دو
خصوص مذکور : یک نظام مساعد است .
مگر به مقابل فائده مذکور : این مضرت را

دارد : که نسبت به نظام مجتمع ؛ به قبض قوماندان ؛
 کمتر میباشد . لهذا تعلیم و تربیه عسکریه بدینگونه
 باید اجرا یابد که افراد عسکریه ؛ خود بخود یعنی
 به بدعت ذاتیه خود ها حرکت کرده بتوانند .

۳۰ - درجه کثافت یک خط اخپور ؛
 نظر به مقصد محاربه ، به محل موجود ، به
 دوری دشمن و اراضی ؛ تعیین میشود .

متره های خط اخپور هرگاه ازدو دو کام ؛
 زیاده تر باشد آن را (خفیف خط اخپور) و اگر
 کمتر باشد (کثیف خط اخپور) مینامند .

خط اخپور خفیف ؛ برای استحصال امنیت
 (یعنی برای اینکه برده شود) ، برای اجرای محاربه
 اشغال ، و در حین تعرض در اراضی مرئی که
 هیچ یکجای مستور ندارد برای اینکه بی ضایعات
 زیاده به موضع نخستین آتش ؛ رسیده شود ؛

۳۲

استعمال میشود . مگر در محاربه ها نیز استعمال

نتیجه قطعیه ؛ مطلوب باشد خطهای کثیف اخپور

که قوه محاربه را حائز اند لازم است .

متر های خیلی زیاده ؛ اداره را مشکل

میسازد . کثافت اعظمیه ؛ به واسطه اخپور بی

خطر ؛ مبسر میشود .

سوق و اداره

۳۱ - در تبت نظام ؛ جزو تام قومانده و

اداره آتش ؛ قاعده بلوک است .

قوماندان بلوک یعنی بلوکشر ؛ تشکیل خط

اخیور را و استقامت رفتار را و اگر لازم باشد

در تیات را امر میکند . در مدافعه ؛ بلوک

خود را در موضع ؛ جاگزین میکند . و برای

خروج آتش : كافة آماده کی هائیک لازم است
 ناجرا میدارد .

در تعرض برای اینک حق الامکان : از قریب
 دشمن : شروع آتش کرده شود بلوکشر ،
 سعی و غیرت کند به اینک تا که ممکن است :
 به اندک تلفات : پیشرفت نماید . پیشرفتهائیک
 بعد از آن اجرامی بایند طرز سریمتر و بسیطترین
 آنها اینست که همه بلوک : متحداً تره یله کند .
 مگر تربله مذکور اساساً باید که بیشتر : مکمل
 احضار کرده شود و از آتش قطعات مجاوره :
 معاونت یبند و بعده اجرا یابد . مع مافیه :

نظر به احوال : بلوک را به اقسام صغیره :

تخریق کردن : و حتی اخبور بها منفرداً پیشرفت
 نمودن شان (زحف کردن شان) نیز : جائز
 است . در چنین حال : طرز و شکل پیشرفت
 باید که غیر منتظم و مختلف باشد .

بلوکشر : دقت باید نمود به اینکه آتش را
و پیشرفت را متحداً اداره نموده بر بلوک خود
حاکم باشد تا فوق آتش را که ضامن امنترین
پیشرفت است استحصال نمودن : ممکن و میسر
گردد .

بلوکشر : هرگاه حسن و تقدیر کند که يك فائده
بدست آورده خواهد توانست و یا از ضعیف بودن
دشمن : استفاده کرده خواهد توانست مجبور و
مدیون است که مستقلاً یعنی خود بخود :
حرکت نماید . مگر درین باب هیأت عمومی را
دلغاً زیر نظر : داشتن لازم است .

بلوکشر : برای تخمین مسافه : دو تخمین مسافه :
تزد خود نگه میدارد . موماً الیهما در خصوص
ترصد دشمن : و ترصد قطعات مجاوره طرف
خودها و نیز هرگاه بوریزان یعنی طریقی

نباشد در خصوص حصول ارتباط بصری به همراه
تولیمشر ؛ معاونت برای بلوکشر میکنند .

۳۲ - دلگیمشر ؛ معاون بلوکمشر است

و در عین زمان ؛ امر مستقل و مسئول دلکی
خود بوده به آتش دلکی خود ؛ نظارت میکند .

۳۳ - تولیمشر ؛ پیشتر از داخل شدن به

محاربه ؛ پیشرفته راه مناسب را که برای تقرب

به دشمن ؛ لازم است کشف میکند . و به

سمتیکه تهاکه ملحوظ باشد یک خط اخپور ضعیف

کشیده امنیت را ا کمال میدارد . صورت استعمال

بلوکهارا و محمداً اجرای تأثیر کردن آنها را تنظیم

میکند . و آن قسم تولی یعنی آن حصه تولی را

که اخپور خواهد شد امر میکند . خواه برای

قسم مذکور و خواه برای قسمیکه در عقب

میماند (یعنی اسناد) ؛ تعلیماتیکه لازم است

میدهد .

یکجای : اخیور شدن همه تولی : منتج این
میکردد که با جزو نامهاییک برای تقویه اش می آیند
پیش از وقت : مخلوط میشود . مع مافیه : وضیت
مخاربه هرگاه ایجاب کنند تولی پشتر : هنوز از
ابتدا : از داخل نمودن کافی قوت خود در مخاربه :
اجتناب نباید کرد .

۳۴ - آن تولی که هر دو جناحش مستند
بوده تعرض میکنند زیاده تر از ۱۰۵ : ۲ بلوک
خود را دفعه اخیور کرده اش نادر است . درین
حال : تقویه نمودن خط آتش نیز : اکثر یا به
طرز پر کردن منزها و قه می یابد .

آن تولی که یک جناحش مستند است و
خصوصاً منفرداً یعنی تنها به سر خود : مخاربه
میکند اکثر یا از پر کردن منزهای خط اخیور
و بنا بران : از مجبوریست مخلوط کردن بلوکهای
خود : وارسته است .

۳۵ - وضعیک پیشتر از اشغال نمودن

(هزکوی)

کریس

۳۶

يك موضع مدافعه گرفته میشود چوكان وضع
مذكور : قاعده بواسطه قوماندانان بلوك و
حلكي : تأسيس میشود .

۳۶ - تولىشر در اثنای محاربه ، در چنین
تخطه میباشد که تولى خود را از انجا بيك صورت
بهترین : اداره کرده بتواند . هرگاه در خط
اخپور باشد هدف را انتخاب و ارائه میکند و
شروع آتش را امر میکند . نتایج آت
حسابه [•] را اعطا و تأثیر آتش را رصد
میکند . اداره آتش را قاعده به بلوكشها
حواله میکند . و با ایشان به واسطه پوزان
(یعنی طرمجی) و یا طنپورجی در ارتباط بصری
میباشد .

[•] در هر تولى ، يك يك آت مساه
داشتن : فوائد مهمه : تولید میکند .

تشکیل خط اخپور و حرکات آن

۳۷ - تیت نظام گردیدن - یعنی اخپور شدن - از مجتمع نظام ؛ به هر طرف اجرا کرده میشود . یا یلمه یعنی انبساط ؛ قاعده ؛ به مادی قدم ؛ اجرا می یابد . و مراکاه سریعاً لازم باشد به مارش ؛ مارش ؛

اخیور شدن بلوک :

از صف حرب ؛ بر دلکی شی ورز ؛ از نصف دوم بلوک میباشد .

از دالکیه طار ؛ بر دلکی سر ؛ یا بیک طرف و یا به هر دو طرف میباشد . (و قتیکه به دو طرف باشد دلکی های نصف دوم ؛ به طرف جب دلکی میروند و اخپور میشوند)

مراکاه یک چند بلوک تولی ؛ دفعه اخپور شود

باید که يك بلوك ارتباط تعیین شود . لزوم
مذكور هرگاه بیشتر ؛ محسوس شود بلوكها
بیشتر ؛ باید بدینگونه از هم جدا شوند که به پس
پشت آن محل که در آنجا اخپور خواهند شد
مقابل بیایند .

دفعه اخپور شدن تکمیل تولى ؛ به فرمانده
تولیمشر ؛ اجرامی باید . درین حال ؛ تولى هرگاه
به نظام صف حرب و یا تولیقطار باشد بر بلوك
وسط ؛ اخپور میشود . و اگر به نظام بلوك
قطار و یا نصف قطار و یا دلکپقطار باشد بر بلوك
سر ؛ اخپور میشود . که درینصورت ؛ بلوكهای
پسینه ؛ یا به هر دو طرف ؛ و یا تنها به يك طرف
قطعه سر ؛ اخپور میشوند .

در فرمانده هرگاه مقدار متز ؛ تعیین نشده
باشد متز های اخپور بها دو دو گام میباشد .

۳۸ - اخپور شدن : هم از توقف و یا

از رفتار : پیشرفته : و هم جای بجای (یعنی
بر خط اساس) اجرا میشود .

هرگاه از پسر رفتار : اخپور شود قاعده باید
که اولاً تبدیل جبهه شود یعنی اولاً جبهه
به دشمن آورده شود و بعد اخپور کرده شود .

۳۹ - هرگاه به استقامتهای مائل : و یا به یکی
از جناحین : اخپور شدن : لازم باشد اولاً جبهه
جدیده را اخذ نمودن و بعد اخپور کردن :
مناسبت است .

۴۰ - حرکات خط اخپور : به قرار آتی
میباشد :

ا - پیش رفتن ،

ب - پس آمدن ،

ج - در مسافه های کوتاه : رفتار مائل

(یعنی شی بنم و یا کین بنم) ،

۷۴۱

د - رفتار جانب (یعنی شی خوا و یا کین خوا)

[مگر رفتار مذکور : یا در پس پشت

ستره و یا در خارج آتش دشمن ، ممکن

است] و

ه - تبدیل استقامت رفتار .

حرکات : به عادی قدم : اجرا می یابد .

مگر هرگاه به زیر آتش مؤثر دشمن : پیشرفت

کرده میشود و یا در هنگام بیگ سربا بیک منطقه :

رسیدن لازم باشد به مارش : مارش : حرکت

میشود .

دلیکیمشرها در حین تشکیل خط اخپور :

چوکان خط اخپور را تشکیل میدارند . و در

پیشرفتار و در پسرفتار : پیشروی دلیکی های

خود : میباشد . بلوکشر : در پیشرفتار :

پیشتر از خط دلیکیمشرها : و در پسرفتار :

پس پشت بلوک خود میرود .

۵۲

در تزه بله ها [یعنی جهیده دویدن اقسام صغیره
 به حمایه آتش قطعات مجاوره] باید غیرت کرده
 شود که حق الامکان : مسافه های دراز قطع
 شود . مکر : برای اینکه دشمن : فرصت آتش
 کردن را نیابد تزه بله های کوتاه نیز : عند الاقتضا
 کرده میشود .

آتش

۴۱ - خط اخپور : يك موضع آتش
 گرفته از آنجا آتش میکند . آتشیکا کرده
 میشود قاعده عبارت از آتش اخپوری یعنی
 پخیل سر اور است . که از همه زیاده تر : تأثیر
 اصابت را حائز است .

بودم اور یعنی آتش با قوماندا به احوال
 استندانیه : منحصر است . هرگاه به دشمن :

۴۳

آتش کردن لازم باشد و یا هر کاه قطعه خویش را
به قومانده به قبض خویش ؛ داشتن لازم باشد
از بودم اور ؛ استفاده نمودن ممکن است .

۴۲ - تأثیر آتش به خصوصیات آتیه ؛
تابع است :

(۱) به عدد تفنگها و عدد جیبخانه ،

(۲) به دوام آتش یعنی به اجرای آتش

به صورت دوامدار ،

(۳) به مسافت و درجه تخمین آن ،

(۴) به تدابیر قوماندان [اداره آتش]

تقسیم آتش و انتخاب نشانگاه [

(۵) به انضباط آتش قطعه ،

(۶) به نوع هدف و درجه مرئیت

آن ،

(۷) به امکان ترصد ،

(۸) به تأثیر مقابل آتش دشمن .

۴۳ - تأثیر آتش جانب ؛ خاصه زیاده

است . آتش های ناکهانی و مجتمع ؛ يك
قطعه را در اندك زمان ؛ دوچار زلزله میکنند
بلکه محو میکنند . اجرای تأثیر ؛ هر قدر که
به اندك زمان ؛ منحصر کرده شود و حمله آتش ؛
هر قدر که از مسافت نزدیک کرده شود ؛ نتیجه
بیز بهمان نسبت ؛ زیاده میباشد .

۴۴ - تخمین نمودن مسافت ها را به امنیت ؛
برای مكملاً اداره نمودن آتش ؛ اساس
میشاند . آلت مسافت را استعمال نمودن ،
از خریطه ؛ مساحه کردن ، و یا از طوپچی و یا
پیاده که پیشتر ؛ آتش میکرد پرسیدن ؛ اگر چه
در خصوص تصحیح و اكمال تخمین مسافت ؛
خادمند مگر بالکل به عوض آن ؛ قائم شده
نمی توانند .

۴۵ - به مقابل هدف های بلند و عمیق

میر

[یعنی قطعاتیکه به مجتمع نظام بوده آشکار و نمایان]

ایستاده اند و یا در رفتارند] به نشانه های بلندترین

تأثیر اگر آتش کرده شود چنین تأثیرات مأمول

است . و در مسافتات و سطوح و قریبه و تأثیر

آتش : به درجه مهلك میرسد . و

به مقابل اهدافی خرد و کثیف : از مسافتات

وسطیه و

به مقابل خطهای اخپور : آشکار و نمایان :

حرکت میکنند : از مسافتات وسطیه و حتی از

مسافتات بعیده يك تأثیر خوب داده می تواند .

مگر درین حال ضایعات : با کثافت : متناسب

میباشد .

بنابراین : خطهای کثیف اخپور : به زیر

آتش مؤثر دشمن : در مسافتات قریبه و وسطیه :

مسافت های دراز و لایتنقطع : قطع کرده پیشرفت

۸۶

نمودن شان ؛ خاصه بواسطه مساوت متقابله
آتش ؛ ممکن شده میتواند .

به مقابل طویچی که طوب آن سپردار
بوده موضع آتش را آشکار و نمایان گرفته
باشد از جبهه ؛ محاربه نمودن در مسافت های
قریبترین نیز ؛ در خصوص استحصال يك تأثیر
قطعی ؛ اگرچه امنیت و اعتماد کرده نمیشود .
اما قابلیت حرکت طویچی را نزع کردن و آتش
آنها را خنثی کردن ؛ ممکن است . و برای
استحصال يك تأثیر زیاده تر ؛ باید که آتش
مائل کرده شود .

در اثباتیکه طویچی ؛ حلقه واج ویا

حلقه کاز میکند ویا در رفتار باشد اگر بالای آن
آتش کرده شود آتش مذکور ؛ خاصه مؤثر
است .

یکجای استعمال کرده میشود و در وقتیکه مسافه

موجبا معلوم شود قوماندها در بالای ۱۰۰۰

متر نیز به یک درجه نشان داده و یا به دو نشانگاه

که ۵۰ متره فرق داشته باشند با شیب اجرای نقش

کرده میتواند

۴۷ - نقطه نشان قاعده کنار تختانی هدف

میباشد و این قاعده اساسیه است و لکن بعض

اسباب خصوصیه در مسافات قریبه و اختیار

نمودن این را اقتضا میکند که نقطه نشان به داخل

هدف یا پایان تر از کنار تختانی و یا در جانب باشد

در حال مذکور و اخپورها در انتخاب نقطه نشان

مخیر انداخته میتوانند

۴۸ - آتش را بر تکبیل جبهه هدف کزده

میشود قریب نمودن در فوق العاده مهم است

مرقسم خط اخپور یعنی هر خط اخپور

و نیز به مقابل مترالپوزها (تفنگ ماشیندار)

که حلقه واچ شده و یا بر حیوان بار کرده
شده باشند تا اثر آتش برقرار فوق میباشد .

مترالپوز هائیک موضع گرفته باشند چنین
هدف ابراز مینمایند که اصابت آن مشکل
است . حال آنکه مترالپوز هائیک پایان کرده
کرده شده باشند به درجه اخپور یها دو چار
ضایعات میشوند .

۴۶ - تا ۱۰۰۰ متره : قاعده به واسطه

یک درجه نشانگاه یعنی بیک تقسیم نشانگاه آتش
کرده میشود . و در بالای ۱۰۰۰ متره : هرگاه
مسافت به درستی معلوم نباشد قاعده دو درجه

نشانگاه که ۱۰۰ متره تفاوت داشته باشند

۴۸

قاعدۀ باید که بر هر قسم دشمن که رأساً رو
رویش است آتش کند . مع مافیه : از اجرای
آتش چو راستی یعنی از آتش مائل نیز : باید که
اجتناب کرده نشود .

۴۹ - سرعت آتش : به مقصد و حال
محاربه : و به جیخانۀ که موجود است و به شکل
هدف : تابع است .

بعیدیت مسافه ، عدم مساعدۀ احوال ضایع ،
و هدف که مکملآ تفریق و تمییز نشود سرعت آتش
را تحدید میکند . هر گاه ایجاب کند که در
اندک زمان : یک تأثیر مظلیم به دست آورده
شود سرعت آتش : زیید کرده میشود .

در انهای قطعی محاربه (احضار هجوم و)
طرده آن : و در مقابله به سواری ، و در
حالانی که به دشمن : بغتۀ و از نزدیک :

تصادف شود ؛ و در تعقیب ؛ سرعت آتش باید
که فوق العاده ؛ تزئید کرده شود .

استناد

۵ - در یک تولی ، بعد از بر آمدن اخپور بها ؛

آن قسم تولی یعنی آن حصه تولی که در عقب

میاند استناد را تشکیل میدارد . استناد مذکور ؛

برای تمهید جبهه محاربه ؛ و برای تکثیف خط

اخیور ؛ و یا برای پر کردن خالیگاه ها ؛

خط اخپور پیدا شوند ؛ و یا برای ستر نمودن

جانبها [•] بکار می آید .

[•] { } { }
[•] { } { }
[•] { } { }

استناد

۵۱

برای اینکه خط اخپور ؛ پوره در وقت لازم ؛
 تقویه کرده شود استناد باید که حق الامکان ؛
 نزدیک خط اخپور باشد . مگر از تلفات بی جای
 نیز ؛ و قایه کرده شود . استناد باید که با خط
 اخپور ؛ به ارتباط بصری باشد . و در حین
 ضرورت باید که به واسطه یک پوسته متوسط ؛
 ارتباط مذکور را تأسیس نماید .

۵۱ - نظامیکه استناد میگیرد به تأثیر آتش
 دشمن و به احوال اراضی ؛ تابع است .
 در اراضی مرئی ؛ در جاهایی که زیر آتش دشمن
 است استناد ؛ اکثریاً ثبت نظام میگردد . و حق -
 بعضاً به دلکیها منقسم گردیده - تر به کرده
 پیشرفت میکنند .

خط اخپور ؛ یا تمدید شده و یا منزهای آن
 را پر کرده تقویه میشود .
 تقویه ؛ بعضاً به مقصد تشجیع خط اخپور

قیز : اجرا میشود . یعنی خط اخپور هرگاه
جایجا مانده باشد برای پیش بردن آن ؛ بعضاً
تقویه کرده میشود .

تزدیک شدن ، جمع کردن ، ترتیب اصلی
تشکیل کردن

۵۲ - د محاربه برای اینکه قطعات عسکریه بهم
مخلوط نشوند چاره مؤثرترین ؛ اینست که هر قطعه
در حین و قمع ضایعات ، بسوی قوماندان خود
تزدیک شده در خصوص بر کردن متراها متبادلاً
صرف غیرت کنند . مگر بن حرکت نزدیک
شدن ؛ قاعده تنها در اثنای رفتار ؛ اجرا
کرده میتوان شد .

۵۳ - در اثنای محاربه ؛ مراقبه عسکریه
که بداند که در تیت نظام بودنش حاجت نماند

به هیچ امری منتظر نبوده جمع شود و به جزو
 نامیک از خود یک درجه بالاتر است التماس
 نماید . همین فراهم آمدن و مرگه ارحال
 توقف اجرا شود جبهه دائما بطرف دشمن
 میباشد . یک بلوک قاعده به نظام صف
 حرب جمع میشود . و نولی به بلوک قطار
 جمع میشود .

۵۴ - تشکیل رتیب اصلی ، عبارت از
 تشکیل اساسی جزو نام است .

کتدک

۵۵ - قوماندان کتدک یعنی کتدکشور
 کتدک خود را بواسطه اسرها سوق میکند یعنی
 اسر داده کتدک خود را سوق مینماید .

در احوال خصوصیه و هرگاه آرزو کند
کندك خود را به واسطه قوماندای اداره نماید این
خصوص را باید که پیشتر و اخبار کند .

۵۶ - تولى ها - به نظام بلوك قطار و یا
توليف قطار بوده - يعقب همدیگر و قطار میشوند
که این نظام را عمیق قطار (و یا عمیق قطار از
توليف قطار ها) مینامند شکل ۶

و یا تولى ها به پهلوی همدیگر میباشد
این را واسع قطار (و یا واسع قطار از تولى
قطار ها) مینامند شکل ۷

و یا تولى ها به نظام لار قطار میباشد .

عمیق قطار : هم نظام اجتماع است و هم
لار قطار است .

واسع قطار : برای گرفتن يك وضعیت که
هميش اندك باشد مستعمل میشود نظام مذکور

برای حرکات ، کم بکار می آید .
نظریه مقصد و به ایجابات زمین ؛ بدیگر نوع
نیز ؛ ترتیبات کرده میتوان شد .

۵۷ - كندك هرگاه در مجموع نظام باشد

حرکات آن وتبديل استقامت رفتار آن ؛ توقفا
به قاعده هائیک در باب تولى ؛ بیان شده بود اجرا
می یابد .

قوماندان كندك ؛ جبهه را وتولى ارتباط را
(كه آچیلو یعنی حرکت اتساع بر آن تولى ؛
کرده خواهد شد) وصورت حرکت تولى ارتباط را
تعیین میدارد . بعده عملهای دیگر تولى هارا
اصر میکند . اگر حرکت اتساع ؛ بر خط
اساس ؛ اجرا خواهد شد مسافه ها در اثنای
رفتار ؛ گرفته میشود .

در اثنای رفتار ؛ حرکت اتساع ؛ بر تولى

سر ؛ که از همه پیشتر است اجرا می یابد که بدایه
تولی ارتباط ؛ عبارت از همین تولی است .
حرکت اتساع از قطار رفتار ؛ طرز بسطترین
آن ؛ اینست که قولباشی های تولی های یعنی سر قطار
های تولی ها به استقامتهای مناسب ؛ گردانیده
شوند .

۵۸ - کینک ؛ پیشتر از داخل شدنش
به محاربه ؛ اکثراً باید که از قطار رفتار ؛ بیک
اضورتیکه متوافق ازاضی باشد حرکت اتساع را
بکند ؛ بدینگونه ؛ جبهه برداریکا پیدا شود هم
حرکت انبساط را یعنی یابیله را احضار و تسهیل و هم
اما یکی محاربه را (نیازی محاربه را) تا مابین
مکند . برای اینکه تیرازی به دشمن ؛ نشان داده
فتود مرگه وقت مساعد باشد حرکت اتساع ؛
بر خط اساس ایز ؛ کرده میتوان شد .

حریبہ ۱
مکملہ
لہو کتوی

۵۷

۵۹ - حرکات بت کنندک ۵ اتساع کرده

باشد نظر به تولى ارتباط ۵ برایش استقامت
رفتار ۵ اراده میشود تنظیم کرده میشود ۵ بعد از
داخل شدن به محاربه ۵ لزوم توفیق حرکت به
ایجابات محاربه هر قدر که می افزاید اهمیت تولى
ارتباط ۵ هما قدر تناقص میکند ۵

۶۰ - کندیکه اتساع کرده باشد تبدیل

استقامت رفتار آن ۵ بواسطه اراده نمودن نقطه
استقامت جدید به تولى ارتباط ۵ اجرا می یابد ۵
تولى ها علیحده علیحده به جبهه جدید میگردند
و وضعیت سابقه را میگیرند ۵ تبدیل استقامت
هرگاه به درجه کلان باشد اکثر یا یک ترتیب جدید ۵
لازم میشود ۵

۶۱ - کندیکه به حال اتساع باشد تکرار

جمع شدن آن ۵ بر آن تولى که از طرف فرماندهان
کنندک ۵ تعیین شود از راه کوتاه ۵ اجرا می یابد

Page
Missing

۶۴ - کندکها بداخل غند ؛ دريك و يا
درچند خط ميباشند . غند هائيك به داخل لوا
باشند خطواری و يا جناحواری ميباشند . و
عند الزوم ؛ به حالت ضروپها كه از همديگر خيلي
جدا اند ميباشند .

نظام های اجزای قطعات ، طرز اقسام آنها ،
منز و مسافه های آنها تابع وضعیت ، مقصد ،
اراضی و محل موجود ميباشد .

۶۵ - اتساع غند و لوا و وقتيك به حالت
اتساع باشند حرکت كردن آنها و تكرار ؛ جمع
شدن آنها توفيقاً به قاعده هائيك در باب كندك ؛
ذكر یافت اجرا ميشود ؛
غند و لوا كه به حالت اتساع باشند برای
حرکت دادن جزو تايهای آنها اکثراً چنين لازم
ميشود كه به اجزای قطعات ؛ استقامتهای رفتار
مستقل ؛ اراة کرده شود .

۶۶ - غند : نظر به وقایع تاریخی و
تیز نظر به اینکه تعلیم و تربیه اش از يك دست
برآمده است و ضابطان غند : یکدیگر را
میشناسند و هر غند از ۳ كندك : مركب و
سینا بران : قابل اقسام است لهذا غند : چنین
يك جزو تام است كه وظائف معینه محاربه را اجرا
کرده میتواند .

۶۷ - تقسیم نمودن وظائف محاربه بالای
جزو تامهای مادون : برای حرکت اتساع غند
ولوا اساس میشود . اقسام غندهای مختلف را
بهمدیگر مخلوط نمودن : خاصه محذور دار است .
بناه علیه : به اندازه مساعد احوال : باید
غیرت کرده شود به اینکه غندها پهلو به پهلو به
محاربه : ادخال کرده شوند .

۶۷

در بیان معانی و اصطلاحات

سوق و اداره - ۷

۶۸ - در باب سوق و اداره محاربه

چنین قواعد معینه که در هر حال قابل تطبیق

باشند بیان نمودن : ممکن نیست . قوماندان :

به مقابل احوال مختلفه : برای اینکه محاربه :

به مقصد : موافق تر بیفتد چه گونه اجرا شود

باید که آن را خوب بفهمد و قرارهای خود را

نظر به آن بدهد . و تا مجبوریت قطعی نباشد

از آن قرارهای خود نکول نکند .

۶۹ - قاعده قطعات عسکره را اول به

اول : به امر شفاهی به مراستقامتیک آرزو شود

سریعاً توجه نمون : حائز اهمیت است .

۶۲

اوامر متعاقبه ؛ بعد ازان داده میشود .

۷۰ - قوماندان ؛ از مداخله به تفرقات ؛

مجانبت نموده انتخاب وسائط را باید که به مادون

حواله کند .

۷۱ - اوامر و ترتیبات ؛ قاعده ؛

قوماندانانیکه يك درجه ؛ مادون اند داده میشود .

هرگاه احوال مجبره ؛ انحراف را از قاعده

مذكوره ؛ ایجاب کند باید که به قوماندانانیکه

بصرف نظر شدند فوراً خبر داده شود .

۷۲ - در اثنای پیشرفتار ؛ هرگاه حصول

تماس بادشمن ؛ ملحوظ باشد قوماندان ؛ باید تا که

ممکن است پیش باشد و قاعده در اقسام پیشینه

بمشدار میباشد . و به نقاط حاکمه که به هر

طرف ؛ نظارت دارند به صورتیکه متعاقباً از

یکی به دیگر آنها برود پیشرفت نموده در باب

دشمن و در باب قطعات مجاوره طرف خود و
و در باب اراضی و بالذات يك احاطه نظر و
حاصل می کند و برای محاربه و وحدت اداره را
تأمین مینماید. قوماندان و قوماندانان قطعات
بدایه برای شان امر خواهد داد آنها را
باید که پوره در وقت لازم و به نزد خود
جلب کند.

۷۳ - قوماندان برای اداره کردن محاربه
باید که در عقب در چنین جای باشد که قطعات
مسکریه خود را از آنجا بخوبی دیده بتواند و
خودش به آسانی پیدا شود. موقع قوماندان
هرگاه ممکن باشد بدینگونه انتخاب کرده شود که
قوماندان از آنجا هم به اراضی پیش و به دشمن و
مظارت کرده بتواند و هم با قوماندانها يک درجه و
مافوق و مادون اند در ارتباط باشد. از تبدیل موقع

حق الامکان و اجتناب باید کرد .

۷۴ - قویانند آنان ، مشاهدات مهمه

خود هارا باید که فوراً ببرد بیکر بمانند .

در ابتدای محاربه ، در خصص من مقدار قوتیک

به محاربه ، اخلال کرده خواهد شد اجتناب طهار

یون اگر چه لازم است مگر یسان ، تدوین

تقریه میشود گفته با قوای غیر کافیه به اجزای

یک محاربه ، اقدام نمودن ، چنین غلط و خطای فاحش

است که کلاً تر ازان ، تصور نمیشود ، درین

صورت ، گویا به مقابل دشمن قوی ، داننا به

اندک قوت ، محاربه شده و از فوق عددی ،

بلا اختیار ، صرف نظر کرده شده است . حال

آنکه آن تئیت که عقیم بماند هم بادی تلفات

بی لزوم میشود و هم علاوه قوه مضویه عسکر را

اخلال میکند .

٧٥ - پیش از درآمدن به محاربه ، باید
جبهه که بر آن ، محاربه کرده خواهد شد
حق الامکان صحیحاً تعیین کرده شود . جبهه
هرگاه غلط گرفته شد ، باشد در قطعات جنسیمه
باید به جبهه دیگر که گرفتنش لازم است
خطهای جدید ، تأسیس کرده شود و الا دیگر
چاره نسویه ، نادرا پیدا میشود .

٧٦ - عرض جبهه یک قطعه و طرز اقسام آن
به مقصد محاربه ، به اراضی ، و به مستند بودن
و نبودن جانبها تابع است . همین عرض و
صورت اقسام ، نظریه ٢ ملاحظه آتی علیحده
علیحده میباشد . که :

١ - قطعه عسکریه آیا منفرداً یعنی تنها
به جان خود ، محاربه میکند و یا به داخل قطعات
سازه ،

۶۶

ب - قطعه مذکوره آیا تعرض میکند و یا
مدافعه ؟ و یا دشمن را برای يك زمان محدود و
اشغال میکند .

عرض نخستین جبهه محاربه ؛ تنها به قوت
و نیت خود ما تابع نمیباشد بلکه امتداد جبهه
دشمن نیز ؛ درین خصوص ؛ تأثیر دارد .
به قوای ضعیف برای محاربه هرگاه منطقهای
واسع ؛ اصابت کند به طرز غروبی که از
همدیگر ؛ کما بیش ؛ متفرق باشند محاربه کرده
میشود .

۷۷ - هرگاه هر دو جانب ؛ مستند باشند
تقسیم قطعه عسکر به ؛ تابع مساعدت جای است .
درین حال ؛ در عقب ؛ آنقدر قوتها نگاه کرده
میشود که صرف برای اجرای محاربه جبهه ؛
کفایت کند .

در قطعاتیک تنها يك جانب آنها مستند باشد
قطعاتیک در عقب و نگاه کرده میشوند در طرف
خبر مستند و به حال قدمه بودن شاق مناسب
است . قوت این قدمه ها هر قدر زیاد باشد
متر و مسافه های آنها نیز از قطعات پیش
هاتقدر زیاد میباشد .

۷۸ - قطعه که منفرد آ یعنی تنها محسار به
میکند در خصوص امتداد جبهه و طرز اقسام
(ترتیبیاتی که عمقاً گرفته خواهد شد) مختار است .
مگر اینقدر است که حال را دیده در خصوص
محافظه نمودن هر دو جانب خود به مقابل احاطه
دشمن و مجبور است .

۷۹ - جزوه تامهاتی که به خط نخستین
داخل کرده خواهند شد برای تأمین قوت بر آنها

واسطه بهترین عبارت ازینست که برای آنها

و طبقه های معین داده شود . در جریان عمومی
آنی محاربه : قوما ندان به واسطه قونهای شیکا منه ز

از دست نکشیده است یعنی به واسطه احتیاط :
مقتدر به این میشود که مرکز ثقل محاربه را
به مر نقطه که آرزو کند تحویل نماید . و از مقتدر
به این میشود تزلزلهای یمنی که تکانهای خط محاربه
را بر طرف نموده موازنه را حاصل کنند .
و الحاصل به واسطه احتیاط مذکور : در خصوص
استحصال نتیجه قطعی : مقتدر میباشد .

احتیاط باید که خیلی ضعیف : تفریق کرده
نشود . و در تفریق آن : از پارچه کردن جزو
تمامها حتی الامکان : احتراز کرده شود .

۸۰ - در هنگام میکه یک شی که مسا عد تستر

است موجود نباشد خطهای عقب : در خصوص

۶۹

تعیین مسافت که از پیشروی خود خواهند گرفت ؛
باید که این را به نظر دقت بیارند که حزمه آتش
پیاده و یا مرمری شراپنل ؛ در عین زمان ؛
بر مردو خط ؛ اصابت نکند یعنی مردو خط را
شامل تأثیر نکند . [مسافت مذکوره ؛
۳۰۰ متره میباشد]

مکر ملاحظه فوق ؛ در خصوص يك قطعه
عکریه که فوراً ادخال آن به خط آتش ؛
ملحوظ باشد به نظر اعتبار ؛ آورده نمیشود .
۸۱ - کشیدن چانه افراد ؛ قابلیت حربیه
قطعه عکریه را خیلی زیاده ؛ تزیید میکند .
مع هذا قوماندانانیک این تسهیلات را امر میکنند
باید محاذیریکه از عقب گذاشتن چانه ها پدید آید ؛
نیز به نظر دقت خود ها بیارند .
جیبخانه ، تعیینات بدک ، بالاپوش ، قاروا نه ،

مظهره یعنی بطك ، طوبه نان خشك ، و ادوات
استحكام ، و دائماً نزد افراد میباشد .

۸۲ - هرگاه وضعیت محاربه ، مساعد باشد
قطعات عسکریه ، سلاح کوت کرده به پهلوی
کوت سلاح ، استراحت میکنند .

۸۳ - ترسیدن از درعهده نمودن مسئولیت

برخود ، یکی از جمله صفات مهمه قوماندان نیست .
لکن این خصوص را سوء تأویل نمودن یعنی هیئت
همویه را به نظر دقت نیاورده قرارهای کبفی
دادن ، به امرهاییکه داده میشود ، رعایت نکردن ،
و به عوض اطاعت ، معلوماً قروشی نمودن
و هكذا کمان کردن ، غلط است .

مع هذا هرگاه قناعت حاصل شود که امر
دهنده ، احوال را مکملآ فرق و تمییز کرده
توانست است و یا بیشتر از ورود امر ، احوال ،

تغییر شده باشد در چنین حال : آن امر که گرفته
شده است اجرا نکردن : و یا آن را تعدیلاً ایضا
نمودن : و این عدم اجرا و یا تعدیل را فوراً
به مافوق : عرض نمودن : از جمله وظائف
مادونهاست .

مسئولیتی که از عدم اجرای امر پدید آید
تماماً به مادون : عائد است .

آن قوماندان که مزیت در عهده نمودن بار
مسئولیت را حائز است در زمانی که نتیجه محاربه را
مشکوک بیند نیز : از بلا تأمل به کار انداختن
قطعه عسکریه خود نمی ترسد .

استفاده از اراضی و استعمال ادوات استحکام

۸۴ - ما هراته استفاده نمودن از اراضی و وابسته به اینست که پوره در وقت لازم و اجرای کشف کرده شود .

مکر درین خصوص و مکملیت را به درجه افراط و آرزو نموده فرصت را از دست دادن و بدینگونه و فعل محاربه را به درجه که موفقیت در شبهه بیفتد دوچار بطاآت نمودن و جائز نیست . حرکات را به ایجابات اراضی و توفیق کردن لازم است . مکر این خصوص و باید که شدت حرکت پیشرفت را نیز نشکند .

حرکاتیکه در اثنای نزدیک شدن به دشمن و کرده میشوند باید که حتی الامکان از نظر دشمن مستور باشند .

۷۳
۸۵ - اراضی : برطرز اقسام : تأمین
صم دارد :

در اراضی مرئی : برای تنقیص تلفات :
به مسافت های بزرگ : احتیاج است .

در اراضی مستوره (یعنی غیر مرئی) : مسافت ها
تنقیص کرده میتوان شد . در چنین اراضی :
اکثراً این لزوم میباشد که سریملاً به خط
نخستین : معاونت کرده شود .

سپه های صنی ، مائما ، سپه های ساخته کی

و ماسک ها هرگاه پوره در وقت لازم و محمل
لازم : ساخته شوند برای قوماندان ، خدمات
مهمه : ایفا میدارند .

احوال : هرگاه خلاف مأمول : به صورت
دیگر : ظاهر شود عملیات استحکامیه که ساخته

مده اند باید که بر مقررات قوماندان و اجرای
تأثیر نکنند . یعنی قوماندان را از خیالات و
مقررات خود نگردانند . و از طرف دیگر
ملاحظه اینکه اینچنین عملیات و احتمال که بی لزوم
خواهد شد گفت موجب بالکل صرف نظر از آنها
نشود .

۸۶ - جایهائیکه در حال تمرضی به دست آمد
و تنها به این سی و اکتفا نمودن لازم است که

فی الحال از دست نرود در چنین جایه از اوقات

استحکامیه و استفاده کرده میتوان شد . مع هذا

خط اخپوریکه در منطقه آتش مؤثر و جاگزین

باشد بسبب مشکلات پیش بردن خط مذکور

در استعمال بل ها احتیاطکار بودن لازم است

سپرها نیک ساخته میشود باید که به آرزوی

شدت اجرای تمرض و مانع نشود و یا موجب

خواب پذیر شدن فکر تعرض نشود . یعنی آرزو
 میشود که تعرض به شدت اجرا یابد و
 سپرهاییک ساخته میشوند باید که مانع آرزوی
 مذکور نشوند . و یا فکر تعرض را محو نکنند .

۸۷ - پیاده باید که بسط : عملیات
 استحكامیه را بالذات اجرا کند .

پیشرفتار برای محاربه

۸۸ - عسکر : هر قدر که به دشمن
 نزدیک شد برود باید که درجه نیاری به محاربه
 نیز اهاقدر : تزئید کرده شود . درینباب
 خصوصیات آتی به نظر دقت آورده میشود :

(۱) : توسیع جبهه .

(ب) : آجیلوق یعنی اتساع ،

(ج) : یاییلوق یعنی انبساط .

توسیع جبهه : از قطار رفتار : به نظام
حائیکه جبهه آنها واسعتر باشد در آمدن است .
این : هم برای تنقیص عمق قطار رفتار و هم برای
اجتماع : استعمال میشود .

آجیلوق یعنی اتساع : قطار رفتار را به
قطار های متعدد : تفریق نموده یک جبهه بردار
گرفتن است . برای این : قطعات مسکریه
یکه واری از همدیگر : جدا میشوند . و علی الاکثر
به نظام رفتار : میباشند . این هم : برای قطار
آنوقت : مناسب میباشد که هرگاه از قطار
رفتار : عمیق قطار کرده توسیع جبهه نمودن
و تکرار تصفیر جبهه کردن : ملحوظ نباشد .